

سقط درمانی

مصطفی مغفوری^۱

چکیده

طرح سقط درمانی با هدف مراقبت از سلامت مادر و جنین توسط ۴۰ نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. دلایل اصلی ارائه طرح، بر جلوگیری از سقط‌های غیر قانونی و جلوگیری از ادامه بارداری مخاطره آمیز برای مادران یا کودکانی که به علت بیماریهای دوران جنینی، پس از تولید زندگی مشقت بار برای خود و خانواده خود خواهند داشت، استوار است.

قوانین نه تنها نتوانسته‌اند موجب توقف عمل سقط شوند، بلکه در افزایش مرگ و میر زنان در اثر سقط‌های غیر مجاز اثر گذار بوده‌اند.

به لحاظ معارف اسلامی و فقهی، حکم اول در اسلام درباره سقط جنین آن است که این عمل از محرّمات قطعی است و ادلهی اربعه بر آن دلالت دارد. (مورد استفاده از آیه ۵ سوره انعام قرآن کریم است.) که البته در دلالت این آیات در سقط جنین، پس از ولوج روح، ۴ ماه تمام ایرادی نیست. لکن چون قبل از ولوج روح، جنین در مرحله حیات نباتی است و دارای نفس محترم نیست، دلالت آیات بر جنین قبل از دمیده شدن روح، مشکل است که ماده واحده نیز براین اساس طرح شده است که بیان خواهد شد.

فقه‌های بزرگ شیعه، ابتدا تشکیل جنین را از حیث زمان به دو مرحله تقسیم می‌کنند:

۱- جنین پیش از ۴ ماهگی، پیش از دمیده شدن روح

۲- جنین پس از ۴ ماهگی پس از دمیده شدن روح

الف) اسقاط جنین پس از دمیده شدن روح حرام است و جایز نیست. اعم از اینکه برای مادر خطر داشته باشد، یا مشکلات روحی و روانی ایجاد کند و... یا خطری متوجه او نباشد یا خطر متوجه خود جنین باشد.

ب) اسقاط جنین پیش از دمیده شدن در صورتیکه خطر جانی برای مادر داشته باشد جایز است، چون مادر دارای نفس محترم است و جنین هنوز به مرحله نفس محترمه نرسیده است، پس جان مادر تقدم دارد بر حیات نباتی جنین. آن چه از مجموع ادله شرعی استنباط می‌شود، حرمت اسقاط جنین - بدون عذر شرعی و مصلحت اهم است.

بسیاری از فقها منجمله حضرت آیات الله خامنه‌ای، صانعی و فاضل لنکرانی قائل به جواز اسقاط جنین برای حفظ جان مادر هستند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، در جواب استفتاء فردی که بارداری را برای همسر خود سبب بروز ناراحتی‌های روانی و مشقت دانسته است، فرموده‌اند: (با توجه به جرح و مشقت روحی و درونی ناشی از بارداری ناخواسته برای همسران، سقط این جنین را تا قبل از ولوج روح «چهار ماهگی» به دلیل جرح و مشقت غیر قابل تحمل نمی‌توان گفت حرام است، بلکه جرح و مشقت رافع است و سقط جنین جایز است.)

آیت الله مکارم شیرازی در خصوص ناقص بودن جنین پس از آنکه با تجهیزات پیشرفته پزشکی معلوم شود که جنین ناقص است و کودکی ناقص الخلقه یا معلول به دنیا خواهد آمد، اظهار داشته‌اند (اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگه داشتن چنین فرزندی موجب جرح است، در این صورت جایز است، قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند.)

کلمات کلیدی: سقط جنین ، فقه ، قانون

مقدمه

طرح موسوم به سقط درمانی را برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه کردند که در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۱/۶/۵ اعلام وصول شد. دلایل ارائه این طرح و لزوم آن چنین بیان شده است، همه ساله در سراسر جهان حدود پانصد و هشتاد هزار زن به دلیل عوارض حاملگی جان خود را از دست می‌دهند که از این تعداد یک چهارم تا یک سوم آن به دلیل سقط‌های غیر قانونی است. در این میان زنانی نیز هستند که ادامه بارداری برای آنان مخاطره آمیز است زیرا دچار مرگ جنین داخل رحمی شده‌اند یا جنین آنان مبتلا به بیماری است که در صورت تولد سبب زندگی مشقت باری برای خود و والدینشان خواهند شد و به علاوه سبب هزینه‌های درمانی بالا برای خانواده و مشکلات روانی و عاطفی در خانواده و جامعه می‌گردد.

چنان که خواهیم دید ماده واحده پیشنهادی در پی تجویز قانونی سقط جنین است. منتها طرح مربوط به تمام مواردی نیست که در مقدمه آن ذکر شده است. به عبارت دیگر طرح فقط ناظر به حالاتی است که جنین ناقص است و بارداری را که ادامه بارداری برای زنان مخاطره آمیز است شامل نمی‌شود. به همین علت عنوان «سقط درمانی» برای آن مناسب به نظر نمی‌رسد.

اصولاً سقط جنین یکی از بحث‌های جنجال برانگیز امروز جهان است، هر چند سقط جنین تقریباً در تمامی جوامع بشری در دورانهای اولیه نیز وجود داشته است. شیوه‌های سقط جنین نیز ظاهراً شبیه هم بوده است و زنانی که ناخواسته باردار می‌شده‌اند بدون توجه به مذهب و مجازات قانونی و با وجود مخاطرات بسیار اقدام به سقط جنین می‌کرده‌اند.

برای آنکه بتوان به درستی به بررسی طرح ارائه شده پرداخته لازم است ابتدا تعریفی از سقط جنین ارائه و سپس وضعیت کشورهای مختلفی بررسی شود تا تمایل بین المللی در زمینه تجویز یا ممنوعیت سقط جنین روشن شود. در بخش بعد دیدگاه حقوق ایران بررسی خواهد شد و در آخر طرح ارائه شده مورد مطالعه و نقد قرار خواهد گرفت.

۱- تعریف سقط جنین

سقط جنین در لغت به معنای افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم است. لکن موضوع مورد بحث افتادن جنین نیست، بلکه انداختن آن است. اصطلاح حقوقی دو تعریف متفاوت از سقط جنین ارائه شده است که در یکی هدف قانونگذار از ممنوعیت سقط جنین حمایت از وجود و حیات طفل است و در دیگری تکامل عادی و طبیعی دوران بارداری مادر، طبق تعریف اول سقط جنین حمایت عبارت است از کشتن یا اخراج جنین از روی قصد و اراده و مطابق تعریف دوم، سقط جنین به معنای منقطع ساختن مصنوعی دوران طبیعی بارداری است. نتیجه پذیرش تعریف دوم این است که تاریخ سقط جنین اهمیتی نخواهد داشت و صرف نظر از اینکه جنین دارای روح باشد یا نباشد، سقط آن ممنوع است. ثانیاً شرط سقط جنین، مردن آن پس از سقط نیست و ثالثاً لازم نیست جنین قبل از سقط زنده باشد.

شایان ذکر است که در کتب فقهی اصولاً تعریفی از سقط جنین ارائه نشده است، ولی می‌توان پذیرفت که سقط جنین عبارت است از ایجاد وفقه در مسیر طبیعی بارداری به نحوی که منجر به از بین رفتن قابلیت حیات جنین در بیرون از رحم یا در داخل رحم شود.

۲- وضعیت کشورهای مختلف

دین مسیحیت در ابتدا سقط جنین را به نحوی تعریف می‌کرد که شامل مواردی که هنوز روح در نطفه دمیده نشده است نمی‌شد هر چند که سقط جنین در این دین ممنوع اعلام شده بود.

سازمان ملل متحد کشورهای مختلف جهان را از حیث تجویز سقط جنین و دلیل تجویز مورد بررسی قرار داده است در این بررسی دلایلی که برای سقط جنین مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از:

(۱) حفظ جان زن

(۲) حفظ سلامتی جسمانی زن

۳) حفظ سلامتی روانی زن

۴) وضعیت جنین‌های ناشی از تجاوز به عفت و زنا با محارم

۵) ناقص بودن جنین

۶) دلایل اقتصادی و اجتماعی، همچون کنترل جمعیت و اوضاع نامساعد

اقتصادی خانواده

۷) خواست خود زن

مطابق این تحقیق که مربوط به سال ۱۹۹۹ میلادی است از میان ۱۹۳ کشور جهان ۱۸۹ کشور، سقط جنین را برای حفظ جان مادر مجاز کرده‌اند. در ۱۲۳ کشور سقط جنین به دلیل حفظ سلامتی جسمانی زن و معالجه او قانونی است و در ۷۱ کشور غیر قانونی است. سقط جنین به دلیل حفظ سلامتی روانی زن در ۱۲۰ کشور جایز و در ۷۳ کشور غیر قانونی است. سقط جنین به سه دلیل دیگر توسط اکثر کشورها پذیرفته نشده است و به ترتیب ۷۶ و ۶۳ و ۵۲ کشور سقط جنین را به دلیل وجود جنین ناشی از تجاوز به عفت و زنا با محارم یا ناقص بودن یا مشکلات اقتصادی و وضعیت اجتماعی پذیرفته‌اند.

تمایل برای مجاز کردن سقط جنین در جهان موجب شده است تا هر روز بر تعداد کشورهایی که سقط جنین را به دلایل بیشتری قانونی اعلام می‌کنند افزوده شود.

این تمایل از آن جهت ایجاد شده است که طبق بررسی‌های به عمل آمده، ممنوعیت سقط جنین موجب کاهش آمار آن نشده و قوانین این عمل را متوقف نکرده‌اند بلکه فقط در افزایش نرخ مرگ و میر زنان در اثر سقط‌های غیر قانونی تأثیر گذاشته‌اند.

۳- دیدگاه حقوقی ایران

الف) پیش از انقلاب اسلامی

در حقوق ایران پیش از انقلاب اسلامی سقط حمل ممنوع بوده بجز مواردی که حفظ حیات مادر منوط به آن بوده. ماده ۱۸۰ قانون مجازات عمومی مقرر می‌-

داشت: «هر کسی به واسطه ضرب یا هر نوع اذیتی موجب سقوط حمل زنی گردد به حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.» ماده ۱۸۱ همان قانون تصریح می‌کند: هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط حمل زنی گردد، جزای او از یک تا سه سال حبس جنحه‌ای است و اگر زن حامله را دلالت بر استعمال وسایل مذکوره کند، جزای او از سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود.

ماده ۱۸۲ قانون مجازات عمومی در مورد مجازات مادر اعلام می‌کند: «زنی که عالمًا بدون اجازه طبیب، راضی به خوردن ادویه یا ماکولات یا مشروبات یا استعمال وسایل مذکوره شده یا تمکین از استعمال آن وسایل کرده و به این واسطه حمل را ساقط کرده باشد مجازات او از یک تا سه سال حبس جنحه‌ای است و اگر این اقدام زن در نتیجه امر شوهر خود باشد زن از مجازات معاف و شوهر به مجازات مذکور محکوم خواهد شد ماده ۱۸۳ قانون مزبور نیز بیان می‌کند: «طبیب یا قابله یا جراح یا دوا- فروش یا اشخاصی که به عنوان طبابت یا قابلیت یا جراح یا دوا فروش وسایل سقط حمل را فراهم آورند به سه تا ده سال حبس جنایی درجه یک محکوم خواهند شد، مگر اینکه ثابت شود که این اقدام طبیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر است.

نکته‌ای که در این مواد به چشم می‌خورد آن است که قانونگذار سقط حمل را ممنوع اعلام کرده است. لفظ حمل نسبت به جنین دارای معنای اخص است، زیرا حمله مرحله‌ای از رشد و نمو جنین است که تکامل بیشتری در آن مشاهده می‌شود. و اغلب دارای آثار حیات است.

آیین نامه اجرایی ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی (که ناظر بر عوامل موجهه جرم بود) دربار مواردی که سقط حمل توسط پزشک مجاز است، از قانون مجازات عمومی تجاوز کرده بود و سقط حمل را به نجات جان مادر منحصر کرده بود. ماده ۳ این آیین نامه مقرر می‌داشت که در شرایط زیر پزشک می‌تواند به قطع دوران بارداری اقدام کند:

الف) علل و جهاتی که زوجین برای قطع دوران بارداری اعلام می‌کنند به نظر پزشک کافی و موجه باشد.

ب) خطر جسمانی قابل پیش‌بینی برای زن وجود نداشته باشد.

ج) بیش از ۱۲ هفته از شروع بارداری نگذشته باشد.

به علاوه ماده ۱۷ این نامه انتظامی نظام پزشکی نیز که در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسیده، تشریفاتی را برای سقط جنین توسط پزشکان ذکر می‌کند. در مواردی که سقط جنین برای سلامت جان مادر لازم باشد، پزشک موظف است در بیمارستان و سپس از مشاوره و تصویب دو نفر پزشک دیگر اقدام کند. در این صورت باید ظرف ۲۴ ساعت گزارش امر را با ذکر دلیل، نام محل و اسامی پزشکان مشاور به هیأت مدیره نظام پزشکی ارسال دارد.

تبصره: در صورتیکه در محل، بیمارستان یا پزشک دیگری نباشد و انتقال بیمار به محلی که دارای بیمارستان یا پزشک است میسر نشود، پزشک می‌تواند برای حفظ سلامت و جان مادر اقدام و گزارش امر را با دلایل کافی به هیأت مدیره نظام پزشکی در عرض ۲۴ ساعت اطلاع دهد.

بدین ترتیب به پزشکان اجازه داده می‌شود برای سلامت جان مادر اقدام به سقط جنین کنند، صرف نظر از اینکه حفظ جان مادر متوقف بر سقط باشد یا تنها برای سلامت مادر این کار لازم باشد و صرف نظر از اینکه در جنین روح دمیده باشد یا نه.

ب) پس از انقلاب اسلامی

از آنجا که انقلاب با هدف تحقیق مبانی و احکام اسلامی صوت گرفت قوانین جزایی به صورت کلی تغییر یافت و در تدوین آن از شروع استفاده شد. حکم اول در اسلام درباره سقط جنین آن است که این عمل از محرمات قطعی است و ادله اربعه بر آن دلالت دارد. مورد استناد از قرآن آیه ۵ سوره انعام و آیات دیگری است که دلالت بر حرمت قتل دارند. البته در دلالت این آیات در مورد سقط جنین پس از ولوج روح و تکامل آن ایرادی نیست، لکن قبل از ولوج روح، جنین در مرحله حیات نباتی است و دلالت این آیات بر جنین قبل از دمیده شدن روح مشکل است. روایاتی نیز به عنوان دلیل حرمت سقط جنین ذکر شده است (علاوه بر روایاتی که بر مراحل تکامل جنین و زمان هر مرحله دلالت دارد) اما هیچ یک از روایات به

طور صریح بر حرمت سقط جنین دلالت نمی‌کن و روایات مورد استناد، روایات هستند که وجوب دیه در مورد سقط جنین را بیان می‌کند و چون دیه برای جبران خساراتی است که بواسطه جنایت ایجاد می‌شود پس این روایات به دلالت التزامی حرمت که بواسطه جنایت ایجاد می‌شود پس این روایات به دلالت التزامی حرمت سقط جنین را اثبات می‌کنند. از دیگران ادله حرمت سقط جنین اجماع فقها و عقل است، زیرا عقل دلالت دارد بر اینکه ظلم حرام است و سقط جنین نیز ظلمی فاحش است. چون اینکار تعدی و تجاوز به حقوق جنین است که قادر به دفاع از خودش نیست. اجماع فقها هم بر وجوب پرداخت دیه در صورت سقط جنین عمدی است.

همان طور که اشاره شد، سقط جنین یعنی افتادن و از بین رفتن جنین که عملی غیر ارادی است. اما آنچه در طرح مذکور مورد توجه است اسقاط جنین (از بین بردن) است. این عمل ارادی یا توسط خود شخص (زن باردار) صورت می‌پذیرد یا توسط غیر (پزشک یا فردی دیگر)

در صورتیکه سقط جنین غیر ارادی باشد، مجازاتی متوجه کسی نخواهد بود، اما در صورت دوم که اسقاط جنین صورت گیرد و عمل ارادی است، نفس فعل حرام و بر آن مجازاتی مترتب می‌شود.

حال سخن در این است که آیا اسقاط جنین برای مواردی همچون خطر جانی برای مادر، بروز مشکلات روحی روانی، نقص عضو جنین، مشکلات معیشتی و اقتصادی و.. مجاز است یا نه؟

فقهای بزرگوار شیعه ابتدا جنین را از حیث زمان به دو قسمت تقسیم می‌کنند:

۱- جنین پیش از ۴ ماهگی (پیش از دمیده شدن روح)

۲- جنین پس از ۴ ماهگی (پس از دمیده شدن روح)

آنچه از مجموع ادله شرعی به دست می‌آید حرمت اسقاط جنین است بدون عذر شرعی و مصلحت اهم (مثل حفظ جان مادر) لکن در بررسی‌های فقهی دلیل نقلی صریحی به دست نیامده است:

کتاب (قران): استدلال بر آیه حرمت قبل نفس محترمه، شامل جنین پس از دمیده شدن روح می‌شود و شامل جنین پیش از دمیده شدن روح نمی‌شود زیرا جنین پیش از دمیدن روح دارای حیات نباتی است و دارای نفس محترمه نیست.

روایات (سنت): ما به دلیل التزام می‌توانیم حرمت را به دست آوریم و الّا روایت صریحی نداریم. دلیل التزام هم آن است که چون برای اسقاط جنین و به (مجاز است) قرار داده شده است، پس معلوم می‌شود که اسقاط جنین حرام و منهی عنه است که کیفر والا کیفر برای آن تعیین نمی‌شد.

اجماع: چون نمی‌توان به اجماعی که کاشف از قول معصوم باشد دست یافت و اجماع فقها بر وجوب دیه اسقاط جنین ممکن است مستند به روایات باب باشد، اجماع مدرکی است. علاوه بر آن فقط، شهرت را می‌توان به دست آورد نه بیشتر.

عقل: عقل حکم می‌کند بر اینکه کشتن و از بین بردن جنینی که در حال رشد و کمال و اسنادی شدن است جنایت و ظلم است و ظلم قباحت دارد و حرام. لکن در باب تزاحم با مصلحت اهم، همین عقلی حکم می‌کند بر حفظ مصلحت اهم.

حال می‌بینیم در چه مواردی جواز اسقاط جنین صادر شده است:

- ۱- **مشهور فقهای شیعه بر این نظرند که اسقاط جنین پس از دمیده شدن روح حرام است، اعم از اینکه برای مادر خطر داشته باشد یا مشکلات روحی و روانی ایجاد کند... و خطری متوجه او نباشد، یا خطر متوجه جنین باشد و در هر حال جایز نیست.**
- ۲- **اسقاط جنین پیش از دمیده شدن روح در صورتیکه خطر جانی برای مادر داشته باشد جایز است چون مادر دارای نفس محترمه است و جنین هنوز به مرحله نفس محترمه نرسیده است پس جان مادر تقدم دارد بر حیات نباتی جنین، بسیاری از فقها همچون حضرت آیات الله خامنه‌ای، فاضل لنکرانی و صانعی قائل به جواز اسقاط جنین برای حفظ جان مادرند.**

آیت الله فاضل لنکرانی: «در صورت عدم دمیده شدن روح، اگر طبق تشخیص دکتر متخصص و مورد اطمینان بقای حمل مادرش خطر جانی داشته باشد یا مستلزم ضرر و زیاد درد و غیر قابل تحمل باشد، اسقاط مانعی ندارد.

آیت الله صانعی: مشکلات زندگی و معشیتی نمی‌تواند مجوزی برای اسقاط جنین باشد مگر آنکه به حدی برسد که انسان در مقابل آن مشکل ناتوان گردد و تاب تحمل گرفته شود.

۳- سقط حمل از زنا به خاطر حفظ آبرو یا آزار جسمی از

ناحیه خانواده: در صورتی که در جنین روح دمیده نشده است و احتمال عقلایی در بین باشد مبنی بر عسر و حرج اسقاط جنین جایز است، همان طور که آیت الله فاضل لنکرانی فرموده‌اند: «بلی اگر روح در آن دمیده نشده (قبل از ۴ ماهگی) و مراحل اولیه را طی می‌کند، در صورتیکه دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکنند مورد اذیت و آزار غیر قابل تحمل قرار می‌گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می‌شود، در حین فرض بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد.»

۴- مشکلات روحی، روانی و یا جسمانی هم از موارد جواز

اسقاط جنین پیش از دمیده شدن روح است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در جواب استفتاء فردی که بارداری را برای همسر خود سبب بروز ناراحتی‌های روانی و مشقت می‌داند، فرموده‌اند: «با توجه به حرج و مشقت روحی و درونی ناشی از بارداری ناخواسته برای همسران، سقط این جنین را تا قبل از ولوج روح (چهارماهگی) به دلیل حرج و مشقت غیر قابل تحمل نمی‌توان گفت حرام است، بلکه حرج و مشقت رافع است و سقط جنین جایز است.»

از ذیل استدلال حضرت آیت الله خامنه‌ای «بلکه حرج و مشقت رافع است و سقط جنین جایز است می‌توان استفاده کرد که در تمامی موارد عسر و حرج شدید چه ناشی از مشکلات روحی، روانی باشد و چه نتیجه مشکلات جسمانی، معشیتی و تربیتی و... می‌توان به جواز اسقاط حکم کرد، البته پیش از دمیده شدن روح.

مواد ۴۸۷ تا ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی به دیه سقط جنین اختصاص پیدا کرده است و قانونگذار برای سقط جنین در هر یک از مراحل که باشد دیه معین کرده است، حتی در حالیکه نطفه‌ای بیش نیست. مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ و همچنین مواد ۷۱۵ و ۷۱۶ قانون مزبور در نیز مجازات سقط جنین را مقرر کرده‌اند. آنچه از این مواد فهمیده می‌شود آن است که فقط در موردی سقط جنین جایز است که این اقدام برای حفظ حیات مادر لازم باشد. این که مجوز سقط جنین برای حفظ جان مادر فقط مختص جنین قبل از ولوج روح است ظاهراً نظر مشهور است و در فتاوی دیگر علما نیز مشاهده می‌شود.

البته فرض دیگر را فقها مطرح ساخته‌اند که در آن برای حفظ جان مادر سقط جنین را مجاز اعلام کرده‌اند. در فرضی که استمرار بارداری حیات مادر و جنین هر دو را تهدید می‌کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نیست ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد، سقط جنین جایز خواهد بود و در این صورت فرقی بین قبل از دمیده شدن روح و بعد از آن نیست.

۴- بررسی طرح ارائه شده

همان طور که گفته شد در کشورهای جهان، غیر از حفظ جان مادر، دلایل دیگری نیز برای سقط جنین عنوان شده است، از جمله حفظ سلامت جسمانی و روانی مادر یا ناقص بودن جنین و یا اینکه جنین ناشی او زنا یا مشکلات اقتصادی و اجتماعی باشد.

درباره این دلایل برای سقط جنین برخی از فقها چنین اظهار نظر کرده‌اند:

الف) حفظ جان سلامت جسمانی و روانی مادر

سوال: اگر مثلاً زن بارداری مجبور به معالجه لثه یا دندانپزشکی شود و بر اساس تشخیص پزشک متخصص نیاز به عمل جراحی پیدا کند، با توجه به اینکه بیهوشی و عکسبرداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می‌شود، آیا سقط جنین برای او جایز است؟

برخی از فقها اظهار داشته‌اند: در صورتیکه مادر ناچار از معالجه است و معالجه مستلزم استسقاط جنین است، قبل از ولوج روح سقط جنین جایز است. برخی نیز کاملاً بر عکس معتقدند که: دلیل مذکور مجوزی برای سقط جنین محسوب نمی‌شود. برخی دیگر راه حل میانه‌ای برگزیده‌اند: «اگر معالجه متوقف بر سقط جنین است یا معالجات باعث اختلالات در جنین و سبب مشقت و حرج باشد و جنین هم قبل از ولوج روح و صاحب حرکت شدن است، برای معالجه یا برای نفی جرح مانعی ندارد و حرمت مرتفع می‌گردد، اما بعد از ولوج روح، حکم به جواز قتل نفس برای حفظ نفس دیگر، مشکل بلکه ممنوع است. ولی مادر می‌تواند خود را معالجه کند ولو منجر سقط جنین گردد.

فتاوی فوق‌تر چه درباره معالجات برای سلامت جسمانی است، لکن در مورد سلامت روانی مادر نیز قابل استناد هستند. سوال و جواب زیر در این خصوص قابل توجه است.

همسر اینجانب شوهر اولش شهید شده و فرزند او از ۱ همسر اولش نیز در اثر حادثه‌ای فوت کرده است و اینک دارای روحیات خاصی است و با پیش آمدن بارداری ناخواسته، دچار مشکلات روحی و افسردگی شده است. با این وضعیت قطعاً همسر یا جنین او آسیب می‌بیند. لذا جهت حل معضل و احیاناً سقط جنین که حدوداً بیست و پنج روزه است حکم شرعی چیست؟ با توجه به حرج و مشقت روحی و درونی ناشی از بارداری ناخواسته برای همسران، سقط این جنین را تا قبل از لوج روح (چهارماهگی) به دلیل حرج و مشقت غیر قابل تحمل نمی‌توان گفت حرام است. بلکه حرج و مشقت رافع است و سقط جنین جایز است..)

ب) ناقص بودن جنین

اگر با تجهیزات پیشرفته پزشکی که امروز در دسترس است، معلوم شود که جنین ناقص است و کودکی ناقص الخلقه یا معلول به دنیا خواهد آمد، فقها سقط جنین را مجاز اعمال کرده‌اند، لکن این جواز را ناظر به قبل از چهار ماهگی و دمیده شدن روح دانسته‌اند: «اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگه داشتن جنین فرزندی موجب حرج است، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح جنین را اسقاط کنند...»

بدین ترتیب قاعده لاحرج موجب می‌شود تا حکم حرمت سقط جنین برداشته شود و این امر تنها درباره جنینهایی است که روح در آنها دمیده نشده است. پس از دمیده شدن روح چون عنوان انسان بر جنین صدق می‌کند. دیگر نمی‌توان به استناد لاحرج یا قاعده، الضرورات تبیح المحظورات حکم به جواز از بین بردن جنین داد، همان طور که کشتن انسانهای ناقص الخلقه و مجانین و معلولین جایز نیست.

ج) ناشی از زنا بودن جنین

در فتاوی فقا، حالت زنا از تجاوز به عفت جدا نگردیده و به طور کلی درباره زنا اظهار نظر شده است. برخی از فقها اعلام کرده‌اند که: اگر زنی از زنا آبستن شود جایز نیست بچه‌اش را سقط کند، هر چند روح در آن دمیده نشده باشد.. برخی از فقها در این مورد اظهار نظر کرده‌اند: اگر زنی از زنا آبستن شود جایز نیست بچه‌اش را سقط کند، لکن اگر قبل از چهار ماهگی برای جلوگیری از تضییع آبرو و حیثیت ساقط کند، نمی‌توان گفت حرام است، بلکه برای رفع حرج و مشکل تضییع آبرو به خصوص با فرض توبه جایز است ولی به هر حال بعد از چهار ماهگی و دمیده شدن روح، سقطش به هیچ وجه جایز نیست و قتل نفس و آدمکش است.»

د) مشکلات اقتصادی و اجتماعی

اگر کسی که دارای چند فرزند است و توانایی مالی تأمین نیازهای کودک دیگر را اصلاً ندارد مجدداً صاحب جنینی شود آیا می‌تواند اقدام به سقط جنین کند؟ آیا به خاطر بالا بودن تعداد جمعیت و این که این امر موجب مشکلات عدیده اجتماعی خواهد شد می‌توان جنین را سقط کرد؟ پاسخ هر دو سوال منفی است: «سقط جنین به مجرد وجود مشکلات و سختی‌های اقتصادی جایز نمی‌شود. و نیز به سبب جمعیت زیاد، زیرا طریق کنترل جمعیت منحصر به سقط جنین نیست و راههای جلوگیری از بارداری و امکانات آن بسیار است و باید از این روشها استفاده کرد.

پس از بیان مطالب فوق حال می‌توانیم به سراغ طرح پیشنهادی برویم که از لحاظ عبارتی دارای اشکالاتی است. ماده واحده ارائه شده تصریح می‌کند «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که پس از ولادت موجب حرج والدین یا طفل می‌شود قبل از ولوج روح (چهار ماهگی) با رضایت زن و شوهر و گواهی محکمه صالحه است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود .. اما ،

اولاً : ماده واحده ارائه شده فقط ناظر به نقص و بیماری جنین است لکن از دلیل لزوم ارائه طرح که در مقدم آن آمده انتظار این بود که متن ماده مواردی را نیز که ادامه بارداری برای زن مخاطره آمیز باشد در برگیرد.

ثانیاً: به نظر می‌رسد عنوان سقط درمانی عنوان درستی برای طرح نباشد و معلوم نیست منظور درمان چه کسی است؟ در فرض مورد توجه، جنین بیمار است و سقط می‌شود و به این اقدام درمان گفته نمی‌شود.

ثالثاً: برای سقط جنین در صورت نقص آن به قاعده نفی حرج استفاده شده است. همان طور که در فتاوی فقها آمده است، لکن این طرح می‌توانست موارد دیگر تحقیق حرج را نیز بیان دارد و جو از سقط جنین را در صورت تحقیق حرج و قبل از دمیده شدن روح اعلام دارد. این کار موجب می‌شود تا سقط‌هایی که به صورت غیر قانونی و در شرایط مخفیانه و گاه غیر بهداشتی صورت می‌گیرد و مجوز شرعی هم برای آنها وجود دارد، صورت قانونی پیدا کنند. به عبارت دیگر، تحقق حرج منحصر به بیماری و نقص جنین نیست و همان طور که دیدیم امروز دیگری را نیز در بر می‌گیرد که در طرح ارائه شده ذکری از آنها به میان نیامده است.

رابعاً: در طرح فعلی تشریفات سقط بیش از حد سختگیرانه است و شامل موارد زیر می‌شود:

- ۱- تشخیص قطعی سه پزشک
- ۲- تأیید پزشکی قانونی
- ۳- رضایت زن و شوهر
- ۴- گواهی محکمه صالح

به نظر می‌رسد به برخی از این امور اصلاً نیازی نباشد مثلاً به تشخیص سه پزشک و تأیید پزشکی قانونی با هم نیاز نیست و تحقق یکی از این دو شرط کافی است. به علاوه گواهی محکمه صالح غیر ضروری است به خصوص با توجه به اینکه دادگاه در امور پزشکی تخصصی ندارد و فقط به نظر کارشناسی اکتفا می‌کند. رسیدگی در دادگاهها نیز آن چنان با تأخیر صورت می‌گیرد که لازم شمردن گواهی محکمه صالح با قید دیگر، مبنی بر اینکه سقط قبل از ولوج روح یعنی چهار ماهی صورت گیرد سازگار نیست. البته به هر حال طرح فعلی همسو با تفکر بین المللی و مصالح جوامع در سطح جهانی، برای مجاز شمردن سقط جنین در شرایط خاص است. لذا با ملحوظ داشتن واقعیت‌های موجود و مستند به فتاوی فقها، تصویب آن، به خصوص در صورت بر طرف شدن ایرادات فوق، کاملاً پسندیده است. با عنایت به توضیح و توجیه دیدگاههای پزشکی و فقهی در خصوص طرح پیشنهادی، به شرح فوق، اصلاح متن طرح به ترتیب ذیل آمد:

طرح مراقبت از سلامت مادر و جنین "اسقاط جنین در شرایط اضطراری"

ماده واحده : به منظور مراقبت و حفظ سلامت مادر و جنین در دوران حاملگی و تأمین امنیت روانی، اجتماعی خانواده، سقط جنین تا قبل از ولوج روح «چهارماهگی» بنا به تقاضا و رضایت مشترک زن و شوهر پس از تشخیص قطعی سه نفر پزشک متخصص و تأیید سازمان نظام پزشکی، مبنی بر خطر جانی برای مادر در دوران حاملگی و زایمان همچنین بسیاری و نقص جنین پس از ولادت که موجب حرج و مشقت برای والدین می‌شود جایز است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.

آیین نامه اجرایی این قانون، به پیشنهاد وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی با همکاری سازمان پزشکی قانونی و سازمان نظام پزشکی کشور حداکثر ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

نتیجه

طرح سقط درمانی با هدف مراقبت از سلامت مادر و جنین توسط ۴۰ نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. دلایل اصلی ارائه طرح، بر جلوگیری از سقط‌های غیر قانونی و جلوگیری از ادامه بارداری مخاطره آمیز برای مادران یا کودکانی که به علت بیماری‌های دوران جنینی پس از تولد زندگی مشقت بار برای خود و خانواده خود خواهند داشت، استوار است.

بررسی‌های انجام شده در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که ممنوع کردن سقط جنین موجب کاهش میزان آن شده و قوانین نه تنها نتوانسته از موجب توقف این عمل شوند، بلکه در افزایش مرگ و میر زنان در اثر سقط‌های غیر مجاز اثر گذاشته بوده‌اند.

به لحاظ معارف اسلامی و فقهی، حکم اصل در اسلام درباره سقط جنین آن است که این عمل از محرمات قطعی است و ادله اربعه بر آن دلالت دارد (مورد استناد آیه ۵ سوره انعام قرآن کریم است) که البته در دلالت این آیات در سقط جنین، پس از ولوج روح (۴ ماه تمام) ایرادی نیست، لکن، چون قبل از ولوج روح، جنین در مرحله حیات نباتی است و دارای نفس محترم نیست دلالت آیات بر جنین قبل از دمیده شدن روح، مشکل است. فقهای بزرگ شیعه، ابتدا تشکیل جنین را از حیث زمان به دو مرحله تقسیم می‌کنند.

۱- جنین پیش از ۴ ماهگی (پیش از دمیده شدن روح)

۲- جنین پس از ۴ ماهگی (پس از دمیده شدن روح)

مشهور فقهای شیعه جنین پس از دمیده شدن روح حرام است و جایز نیست، اعم از اینکه برای مادر خطر داشته باشد، یا مشکلات روحی و روانی ایجاد کند و غیره... یا خطری متوجه او نباشد یا خطر متوجه جنین باشد.

اسقاط جنین پیش از دمیده شدن روح در صورتی که خطر جانی برای مادر داشته باشد، جایز است. چون مادر دارای نفس محترمه است و جنین هنوز به مرحله نفس محترمه نرسیده است، پس جان مادر تقدم دارد بر حیات نباتی جنین.

آن چه از مجموع ادله شرعی استنباط شود، حرمت اسقاط جنین «بدون عذر شرعی و مصلحت اهم» است.

بسیاری از فقها منجمله حضرات آیات الله خامنه‌ای، صانعی و فاضل لنکرانی قائل به جواز اسقاط جنین برای حفظ جان مادر هستند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در جواب استفتاء فردی که بارداری را برای همسر خود سبب بروز ناراحتی‌های روانی و مشقت دانسته است، فرموده‌اند: (با توجه به حرج و مشقت روحی و درونی ناشی از بارداری ناخواسته برای همسران، سقط این جنین را تا قبل از ولوج روح، «چهارماهگی» به دلیل حرج و مشقت غیر قابل تحمل نمی‌توان گفت حرام است، بلکه حرج و مشقت رافع است و سقط جنین جایز است.)

آیت الله مکارم شیرازی در خصوص ناقص بودن پس از آن که با تجهیزات پیشرفته پزشکی معلوم شود که جنین ناقص است و کودکی ناقص الخلقه یا معلول به دنیا خواهد آورد اظهار داشته‌اند: «اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگه داشتن جنین فرزندی موجب حرج است در این صورت جایز است، قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند.»

ارزیابی و اصلاح موضوع طرح پیشنهادی

متن ماده واحده به شرح زیر تنظیم و پیشنهاد گردیده است:

(سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشک قانونی مبنی بر بیماری جنین پس از ولادت موجب حرج والدین یا طفل می‌شود، قبل از ولوج روح «چهار ماهگی» با رضایت زن و شوهر و گواهی محکمه صالحه است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.)

در ارزیابی و اصلاح موضوع و متن طرح پیشنهادی، عنایت به موارد زیر مهم است:

- 1- عنوان طرح، وافی به مقصود نیست، بنابراین عنوان (طرح سقط درمانی) می‌توان به عنوان (طرح مراقبت از سلامت مادر و جنین یا اسقاط جنین در شرایط اضطرار) اصلاح شود.

۲- در متن طرح، به سلامت جسمانی و روانی مادر و بارداری مخاطره آمیز، اشاره‌ای نشده است که شایسته است به نحو مناسب مورد توجه و اصلاح قرار گیرد.

۳- در طرح پیشنهادی، تشریفات و مراحل رسیدگی و تشخیص بیش از حد سختگیرانه و طولانی مدت به نظر می‌رسد که به این لحاظ، پیشنهاد می‌شود، عبارت (و گواهی محکمه صالحه) حذف گردد.

توضیح اینکه، معمولاً در اینگونه موارد، رسیدگی و تشخیص محاکم صالحه، مبتنی و مستند بر نظر تشخیصی پزشکان متخصص و معتمد خواهد بود که ملاحظه، تأکید بر تشخیص سه نفر پزشک متخصص، که علی‌الاصول یک فراز آنان می‌تواند، پزشک معتمد پزشکی قانونی باشد، نیت حاصل است.

قانون تصویب شده

نهایتاً مجلس هفتم قانون سقط در مانی را به شکل زیر تصویب نمود:

ماده واحده: سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسوولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.

متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ دهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

منابع و ماخذ

- 1- قرآن کریم من ا... سبحانه و تعالی ، ترجمه محمد مهدی فولادوند ، قم ، مرکز مطالعات اسلامی و چاپ و نشر قرآن کریم ، سال ۱۳۷۷ ه. ش. (سوره نساء آیه ۹۲)
 - 2- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، تهران ، انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۸۱
 - 3- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ، معاونت پژوهشی ، اظهار نظر کارشناسی در مورد طرح سقط درماني ، تهران ، ۱۳۸۱
 - 4- خامنه ای ، سیدعلی ، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، اجوبه الاستفتائات (مترجم احمد رضا حسینی) ، تهران ، الهدی ، ۱۳۸۶
 - 5- فاضل لنکرانی ، محمد ، توضیح المسائل ، قم ، نشر امیر ، ۱۳۷۹
 - 6- صانعی ، یوسف ، توضیح المسائل ، قم ، میثم تمار ، ۱۳۸۵
 - 7- مکارم شیرازی ، توضیح المسائل ، قم ، انتشارات مدرسه امام علی ابن علی طالب (ع) ، ۱۳۸۵
 - 8- یاد ، ابراهیم ، حقوق کیفری اختصاصی ، تهران ، مؤلف ، بی تا
 - 9- شهید اول محمد ابن مکی ، لمعه دمشقیه ، قم ، دارالفکر ، ۱۳۸۲
- 10 - <http://www.ofoghnews.com>
- 11 - <http://www.pezeshkan.ir>